

بررسی آراء و افکار ولتر درباره شخصیت حضرت محمد(ص)

زینب کریمی^۱

محمدعلی چلونگر^۲

چکیده: مطالعات اسلامی به عنوان یکی از حوزه‌های مهم شرق‌شناسی از دیرباز مورد توجه مستشرقان بوده است. ولتر به عنوان یکی از این مستشرقان در سده هجدهم میلادی (۱۶۹۴-۱۷۷۸) به شرح و بسط آراء و افکار خود درباره اسلام به ویژه حضرت محمد(ص) پرداخت. او در آغاز یعنی در مرحله نخست، نگاهی بسیار منتقدانه نسبت به اسلام و حضرت محمد(ص) داشته است. تا جایی که پیامبر را مردی جاهل، دروغگو و فریب‌کار معرفی کرده است. مرحله دوم که در اواسط زندگی فرهنگی و علمی او است، به موضعی معتدل‌تر نسبت به اسلام و حضرت محمد(ص) رسیده است. در این مرحله پیامبر را مردی سیاستمدار معرفی کرده است و در نهایت در اواخر عمر به مدح و ستایش حضرت محمد(ص) پرداخته است. و حضرت را پدیدآورنده بزرگ‌ترین انقلاب روی زمین، و دین اسلام را بزرگ‌ترین دین معرفی کرده است. در این مقاله برآنیم تا براساس روش توصیفی-تحلیلی به شرح افکار ولتر درباره پیامبر، چگونگی متحول شدن او و علل آن پردازیم. و در همین جهت در صدد پاسخ به پرسش‌های زیر باشیم. ۱. علل نگاه نقادانه ولتر به شخصیت حضرت محمد(ص) چیست؟ ۲. ولتر در چه مواردی نسبت به حضرت محمد(ص) انتقاد داشته است؟ ۳. علل تغییر دیدگاه ولتر نسبت به حضرت محمد(ص) چه بوده است؟ ۴. آیا بین نگاه مثبت ولتر در نیمه دوم عمرش نسبت به حضرت محمد(ص) و نگاه نقادانه او نسبت به مسیحیت، ارتباطی وجود دارد؟

واژه‌های کلیدی: مستشرقان، ولتر، اسلام، حضرت محمد(ص)

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد- تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان Zeinabkarimi24@yahoo.com

۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان m.chelongar@yahoo.com

تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۱، تاریخ تأیید: اردیبهشت ۱۳۹۲

Critical Study on Voltaire's Views about Muhammad's Personality

Zeynab Karimi¹

Mohammad Ali Chelongar²

Abstract: François-Marie Arouet (Voltaire) (1694-1778) as a most controversial orientalist in 18th century, expressed challenging views about Islam and Life of Prophet (Sira) which have undergone a gradual evolution. Initially, in the first phase he has a highly critical view on Islam and Muhammad such that he has addressed him as a liar and deceitful man. In the second phase which synchronizes with the middle of his cultural and scientific life he adopted a moderate stance on Islam and Muhammad. In this phase he has introduced the prophet as a politician and finally late in life, he has praised and worshipped the prophet and has referred to him as creator of the biggest revolution and religion and mentions Islam as the greatest religion. Thus, this paper aims to illustrate the thinking of Voltaire about Muhammad, the way he was transformed and its causes and this study also seeks to answer the following questions: 1. What is the reason of Voltaire's critical attitude towards Muhammad? 2. In which issues he criticizes Muhammad? 3. What factors are involved in transforming Voltaire's outlook on Muhammad? 4. Is there any relationship between his positive view on Muhammad in the second half of his life and his critical attitude towards Christianity?

Keywords: Orientalists, Voltaire, Islam, Mohammad

1 Associate Professor of Al-Mustafa International University
2 Doctoral Student Of Al-mustafa International University

Emam.history@gmail.com
hu.ghazy@yahoo.com

مقدمه

امروزه شرق‌شناسی که بیشتر شامل مطالعات اسلام‌شناسی است، به عنوان یک جریان ریشه‌دار از اهمیت فراوانی برخوردار است. لذا در دنیای امروز پرداختن به آراء و نظرات اندیشمندان غرب، درباره اسلام و پیامبر اسلام(ص) امری مهم و واجب تلقی می‌گردد. و بی‌توجهی به این جریان و ابعاد و پیامدهای آن سبب خواهد شد که ما در مواجهه با غرب در همه زمینه‌ها نتوانیم نقشی بایسته ایفا کنیم. لذا در میان طیف وسیعی از اندیشمندان غرب آن هم در ادوار مختلف تاریخ که به مطالعه درباره اسلام و پیامبر اسلام(ص) پرداخته‌اند، آراء و نظرات فرانسوا ماری آروئه معروف به ولتر، دارای اهمیت فراوانی است. زیرا نویسنده مذکور بر خلاف دیگر نویسندگان و اندیشمندان غرب، درباره پیامبر اسلام(ص) دیدگاه ثابتی نداشته است.

در این پژوهش، سعی و هدف بر این است که ابعاد و یا به طور کلی سیر روند تدریجی تفکر این اندیشمند مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت مسئله در این است که در سده هجدهم با وجود این که دیدگاه غرب درباره اسلام و پیامبر(ص) تا حدی علمی و منصفانه شد، ولی هنوز تفکر غیرمنصفانه کلیسا در مورد اسلام حاکم بود. اما چه عوامل باعث می‌شود ولتر که در ابتدای مطالعات خود پیامبر اسلام(ص) را مردی جاعل، دروغگو و فریبکار می‌دانست، در اواخر عمر به ستایش و مدح حضرت محمد(ص) بپردازد. و پیامبر را پدیدآورنده بزرگ‌ترین انقلاب و دین اسلام را برترین دین معرفی می‌کند؟

چون مسئله شرق و شرق‌شناسی و مطالعات اسلامی از سابقه‌ای به طول تقریباً چند سده برخوردار است. لذا اندیشمندان بسیاری به این امر پرداخته‌اند و دیدگاه آنان هم مورد مطالعه و بررسی دیگران نیز قرار گرفته است. و از آن جا که ولتر فیلسوف، مورخ، نمایشنامه‌نویس و هجوگری بی‌مانند است، پس از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. اما درباره پیشینه تحقیق مذکور باید گفت: مهم‌ترین پژوهش در زمینه عقاید و آراء ولتر درباره دین اسلام را جواد حدیدی در کتاب *اسلام از نظر ولتر* انجام داده است. اما اختصاصاً درباره موضوع این پژوهش، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. بنابراین در این پژوهش سعی بر این است با استناد به منابع مربوطه و در دسترس، تا حدودی با سیر روند تفکر این اندیشمند درباره حضرت محمد(ص) آشنا شویم.

شرح حال ولتر

فرانسوا ماری آروئه معروف به ولتر در سال ۱۶۹۴م در فرانسه به دنیا آمد. برای تحصیل به کالج

یسوعیان لویی کبیر (لوی لوگران) رفت. در آنجا تعلیم و تربیتی درخشان یافت. به رغم تلاش پدرش برای وارد کردن او به عرصه حقوق و قضاوت، ولتر نویسندگی را پیش گرفت. و در عرصه نمایش نامه‌نویسی، کارش را با نمایش نامه/ادیب شروع کرد و مورد توجه همگان قرار گرفت و پس از آن خود را ولتر نامید.

ولتر به دلیل طبع سرکشی که داشت همواره با بزرگان و اشراف، مشاجره داشت. این مشاجرات منتهی به زندانی شدن ولتر در باستیل شد. و بارها به دلیل سرودن اشعار هجوآنگیز، زندانی و گرفتار شد.

ولتر در سال ۱۷۲۶م به انگلستان تبعید شد. به مدت سه سال در انگلستان اقامت داشت. این تبعید نه تنها او را مطیع نکرد بلکه سرکش‌تر از گذشته کرد. سرانجام پس از تبعید، به فرانسه بازگشت. مدتی بعد به دعوت فردریک دوم معروف به کبیر (۱۷۴۰-۱۷۸۶م) به پروس (آلمان) رفت. اما خیلی زود به دلیل ناسازگاری طبع عدالت‌جو و آزادی فکر ولتر با طبع سلطنت‌جو و خودکامه فردریک از پروس رانده شد. ولتر سرانجام پس از این همه آوارگی در سال‌های آخر عمر در فرنه، در مرز فرانسه و سویس اقامت کرد.^۱

ولتر در اوایل سال (۱۷۷۸م) در هشتاد و چهار سالگی ظاهراً با دولت مردان آشتی کرد (دولت مردان با او آشتی کردند) و برای تماشای نمایش اثر خود (بیرن) به پاریس آمد و بسیار مورد توجه اشراف، بزرگان و مردم قرار گرفت. در مدت اقامت ولتر در پاریس، آمد و شد رجال سیاسی، ادبی، فلسفی و علمی، فشار زیادی به ولتر وارد کرد ولتر که دیگر پیر و ناتوان شده بود. و سرانجام در سی ام ماه می، سال ۱۷۷۸م از دنیا رفت.^۲

از دفن او در قبرستان مسیحیان ممانعت به عمل آمد. دوستان او در بیرون از شهر پاریس، در سلیر کشیشی را دیدند که می‌دانست نوابغ از قوانین مستثنی هستند و اجازه داد او در مکان مقدس دفن شود و در سال ۱۷۹۱م مجمع ملی انقلاب فرانسه، لویی شانزدهم را مجبور کردند اجازه دهد ولتر به پانتئون آورده و با شکوه و جلال در آنجا دفن کنند.^۳

اسلام از نگاه اروپایی سده هیجدهم

خاورشناسی و استشرق در اواخر قرون وسطی شروع شد و در سده هفدهم نضج یافته و راه کمال

۱ ولتر (۱۳۶۹)، نامه‌های فلسفی (نامه‌های درباره انگلستان)، ترجمه علی اصغر حلبی، ابی‌جا: پیک ترجمه و نشر، صص ۱-۹.

۲ همان، ص ۱۰.

۳ ویل دورانت (۱۳۶۹)، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ ۸، ص ۲۲۸.

را طی نمود، چون ولتر در سده هجدهم می‌زیست، پس لازم است ابتدا شرحی مختصر از آنچه که درباره اسلام و پیامبر اسلام(ص) وجود داشت ارائه گردد تا بدین گونه با شرایط محیطی و فرهنگی زمان شخصیت مورد نظر آشنا شویم. در سده هفدهم و هجدهم میلادی با تحولی مهم در شکل و محتوای اسلام‌شناسی در غرب که تابعی از شرق‌شناسی است روبه‌رو هستیم. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سده هفدهم، گسترش چشمگیر سفر اروپاییان به شرق با انگیزه‌های سیاسی، تجاری، علمی و هنری و به دنبال آن نگارش انواع سفرنامه‌هاست که اطلاعاتی سودمند درباره اوضاع سرزمین‌های اسلامی انتقال دادند و نقش مؤثری در شکل دادن ذهنیت اروپاییان نسبت به شرق داشتند؛ و در نهایت برای نخستین بار متونی نسبتاً صادقانه در مورد اسلام و پیامبر(ص) پدید آمد.^۱ این تغییر عمده که در نگرش اروپاییان به اسلام در سده هجدهم پیش آمد، باعث ظهور کسانی در غرب شد که در دفاع از پیامبر اسلام(ص) و دفع حملات منتقدین و اثبات صدق بودن او در دعوی خود، کتاب می‌نوشتند،^۲ از این افراد می‌توان به جمله پایک اشاره کرد که در کتابی که پیرامون زندگانی پیامبر اسلام نوشته: اعتراف می‌کند محمد یکی از مردان بزرگی است که بیش از هر مرد پرآوازه دیگر جهان، آماج تهمت و افترا قرار گرفته است^۳ اما به طور کلی معیار برداشت مسیحیت از اسلام که تا سده نوزدهم در ذهن اروپاییان جایگاه برجسته‌ای داشت را می‌توان تحت چهار عنوان طبقه‌بندی کرد:

۱. اسلام صدق نیست و انحراف عمده از حقیقت است.
۲. اسلام مذهب تن‌آسایی است که مسیحیان قرون وسطی می‌گفتند: بهره‌وری مسلمانان از جنس مخالف در زندگی روزمره، نقش مهمی در تفکر آنان بازی می‌کند.
۳. اسلام دینی است که با شمشیر و خشونت ترویج می‌شود.
۴. محمد(ص) مخالف مسیح است. مذهبی مخالف با مذهب حقیقی یعنی مسیحیت بنا نهاد.^۴

۱ سحاب ابوالقاسم [بی‌تا]، فرهنگ خاورشناسان، شرح حال و خدمات دانشمندان ایران شناس و مستشرقین، تهران: چاپ سحاب کتاب، بی‌تا، ص ۱۲.

۲ محسن الویری (۱۳۹۰)، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: انتشارات سمت، ج ۳، صص ۶۸-۷۱.

۳ زیبا شفیعی خوزانی (۱۳۸۰)، «بررسی دیدگاه‌های مستشرقین درباره زندگی پیامبر اسلام(ص) در نیمه اول قرن بیستم»، کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ص ۳۹.

۴ عبدالهادی حائری (۱۳۷۲)، نخستین رویاروی اندیشه‌گران ایران دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۵۲.

۵ ویلیام مونتگمری وات [بی‌تا]، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان (تفاهات و سوء تفاهات)، ترجمه محمد حسن آریا، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۴۵.

چگونگی آشنائی ولتر با اسلام

ولتر که گاهی او را رهبر مرتدان مسیحی می‌دانند از حدود (۱۷۱۱م) به اجتماع معبد^۱ راه یافت، بیشتر افرادی که در این محفل ادبی شرکت داشتند از لحاظ فکری و عقاید دینی مورد سوءظن سازمان‌های مذهبی و دولتی بودند. ولتر نیز سالیانی چند به «معبد» رفت و آمد کرد در همین دوره است که با کنت دوپولن ویلی‌یه آشنا شد.^۲

ویلی‌یه نویسنده کتاب زندگانی محمد است که آن را با نظر جانب‌داری از اسلام نوشت و پیامبر(ص) را مردی بزرگ معرفی کرد. وی به رد افسانه‌های که کشیشان متعصب درباره پیامبر(ص) رواج داده بودند همت گماشت و گفته است: محمد(ص) اصول صحیح و ضروری مسیحیت را نگاه داشته و زواید و ملحقات نادرست آن را دور ریخته است.^۳

از دیگر جاهایی که باعث آشنایی ولتر با اسلام شد. کتابخانه خانم برنی‌یر در روئن بود. که در آن‌جا دوست خود تیری به نوشتن کتابی به نام زندگی محمد پیامبر اسلام تشویق کرد.

تبعید شدن ولتر به انگلستان نیز تا حدی باعث آشنایی او با اسلام شد. از آن‌جا که وی مدتی مهمان فاکنر^۴ بود و به واسطه او با اسلام و مسلمانان آشنایی پیدا کرد و همچنین در انگلستان بود که سرگذشت شارل دوازدهم را مدون کرد، چون شارل مدتی در دربار عثمانی پناهنده بود، ولتر برای این قسمت از زندگی او ناگزیر شد که درباره عثمانی و مسلمانان اطلاعاتی به دست آورد. مهم‌تر از همه در اختیار داشتن ترجمه قرآن جرج سیل بود که او را با عقاید اسلام آشنا کرد، زیرا این کتاب تلاشی برای بیان حقایق اسلام بدون موافقت یا مخالفت با آن بود.^۵

بررسی علل دیدگاه منتقدانه ولتر نسبت به حضرت محمد(ص)

دعوت جهانیان به اسلام در پنج سده اول میلادی با استقبال کشورهای غرب و شرق مواجه شد این امر دستگاه کلیسا را به وحشت انداخت از سده دهم میلادی پاپ و کشیش‌های بزرگ مثل: جربروت و پطرس شخصاً وارد میدان اسلام شناسی و نوشتن نقد و اشکالات بر آن

۱ معبد: temple در آن زمان افرادی را که در این نوع محافل رفت و آمد می‌کردند آزاد فکران می‌نامیدند دو دسته بودند:

گروهی اهل تحقیق، و گروه دیگر را که بیشتر به همت خانم‌های معروف اداره می‌شد، وسیله برای سرگرمی قرار دادند.

۲ جواد حدیدی (۱۳۵۵) / اسلام / از نظر ولتر، تهران: انتشارات توس، ج ۳، ص ۳۹.

۳ شفیعی خوانی، همان، ص ۳۹.

۴ فاکنر: سفیر انگلستان در دربار عثمانی در عهد ولتر بوده است

۵ حدیدی، همان، صص ۴۴-۵۶.

شدند^۱ و از نظر ذهنی و به طور عینی اسلام به عنوان بدترین دشمن مسیحیت شناخته شد و دشمنی که هویت مسیحیان و احساس برتری و تفوق آنان را مورد تهدید قرار می‌دهد.^۲

بدین ترتیب شناسایی اسلام و پیامبر(ص) پس از جنگ‌های صلیبی با افترا و تهمت‌های فراوان همراه بود. و این افترا و ناسزاها در قرون وسطی و پس از آن همچنان ادامه داشت.

به طوری که برخی پیامبر اسلام(ص) را اسقفی معرفی می‌کردند که چون به مقام پاپی دست نیافت، به عربستان گریخت. و آیین ناصوابی برضد مسیح بنیان نهاد! برخی دیگر ایشان را «دجال آخر الزمان» معرفی می‌کردند که دستخوش صرع و امراض روحی و همچنین وسوسه‌های شیطانی شده و مردم نادان را به دینی ساختگی مؤمن گردانید.^۳ از جمله اندیشه‌های ناروای دیگر حاکم بر جامعه عصر ولتر این بود که حضرت محمد(ص) العیاذ بالله را مردی سخت‌دل، دغلباز، شهوتران و دارای غریزه جنسی مفرط می‌دانستند؛ زیرا در زندگانی خود تعداد نه زن انتخاب کرد و این خود دلیلی است که روح ضعیف وی هرگز با رسالتش تناسب نداشت.^۴ و از جمله متفکران بزرگ هم عصر ولتر، منتسکیو نیز دیدگاهی غیرمنصفانه درباره اسلام دارد به طوری که دیانت محمد را دینی می‌داند که به زور شمشیر بر مردم تحمیل شده که این امر اخلاق و روحیات مردم را سخت و شدید کرده است.^۵

چنین نگاهی در زمان ولتر در مورد حضرت محمد(ص) وجود داشت. و همواره مغرضان اروپایی در صدد تحریف چهره محمد(ص) بودند. از جمله این افراد می‌توان به گانبی‌یه فرانسوی اشاره کرد که در کتابی تحت عنوان زندگانی محمد(ص) که قضاوتی مغرضانه درباره اسلام و پیامبر(ص) بوده است و سرگذشت زید و زینب را با تفصیل و اضافات بسیار نقل می‌کند. و جنبه‌های تشریحی آن را نادیده گرفته است. گانبی‌یه از جمله استادانی بود که افکار و آثارش ولتر را به ناسزاگویی به اسلام و پیامبر کشانید. برخی نیز می‌گفتند: محمد(ص) پس از رحلت خدیجه

۱ محمدحسن زمانی(۱۳۸۵)، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان(تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان)، اَبی‌جا: مؤسسه بوستان کتاب، چ ۱، ص ۹۲.

۲ مینو صمیمی(۱۳۸۴)، محمد در اروپا(داستان هزار سال افسانه‌سازی و دروغ پردازی در غرب)، ترجمه عباس مهر پویا، تهران: انتشارات اطلاعات، چ ۱، ص ۱۶۶.

۳ مصطفی حسینی طباطبایی(۱۳۷۵)، نقد آثار خاورشناسان(شامل زندگی نامه علمی بیست تن از خاورشناسان نامدار) تهران: نشر چاپخش، چ ۱، ص ۷.

۴ جهانبخش ثواقب(۱۳۷۹)، نگرشی تاریخی بر رویاروی غرب با اسلام، اَبی‌جا: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۵۱.

۵ شارل لویی دو سکوندا منتسکیو(۱۳۶۲)، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهدی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص ۶۷۱.

در اوقات مختلف از میان پانزده یا سیزده زنی که نامزد وی شده بودند، یازده یا دوازده زن دیگر گرفته است و این موضوع را نشانی از شهوت پرستی محمد(ص) دانستند!^۱

و از آن جا که ولتر در ابتدای مسیر مطالعاتی خود درباره اسلام و پیامبر اسلام(ص) با این گونه اندیشه‌ها و افکار آشنائی پیدا کرد و به دلیل آن که عمده‌ترین منابع و مأخذی که ولتر با آن برخورد داشته است آکنده از اندیشه‌های مغرضانه بود در نهایت بر افکار و آراء ولتر درباره حضرت محمد(ص) بسیار مؤثر بود. این امور دیدگاه منتقدانه او نسبت به پیامبر شد.

ولتر و دیدگاه نقادانه او نسبت به اسلام

در ایام جوانی ولتر دیدگاه مثبتی نسبت به اسلام و پیامبر نداشت و نگاه او منتقدانه بود، از این رو نمایشنامه فئاتیسم نگاشت که به تمامی بر ضد اسلام و پیامبر(ص) بود.^۲ خلاصه‌ای از فئاتیسم به شرح زیر است:

حارث یکی از پیروان محمد، در جنگی که میان طایفه قریش و مسلمانان مدینه در می‌گیرد، زید فرزند زوپیر^۳ (ابوسفیان) حاکم دادگستر مکه را می‌رباید، این کودک در حرمسرای محمد و زیر نظر او بزرگ می‌شود و رفته رفته به خواهر ناشناخته خود زینب (ولتر زینب را پالمیر^۴ می‌نامد) که او هم نزد محمد بزرگ شده است و اینک اسیر زوپیر است دل می‌بندد از سوی دیگر محمد نیز شیفته زینب است پس برای این که به وصال معشوق برسد و در ضمن زوپیر را هم از سر راه خود بر دارد، وعده‌های خوش به زید می‌دهد تا او را به کشتن زوپیر برانگیزد. این وعده‌ها عبارت‌اند از: زینب در این دنیا و بهشت در آن دنیا، زید می‌پذیرد و خود را به مکه می‌رساند و با همکاری زینب پنهانی به حرمسرای زوپیر راه می‌یابد و در لحظه‌ای مناسب، بی‌آن که بداند پدر پیر و فرسوده خود را که همه عمر از لحظه‌ای فداکاری برای وطن غفلت نکرده است، از پای در می‌آورد. ولی زوپیر در واپسین لحظات فرزندان خود را باز می‌شناسد و آنان را در آغوش می‌فشارد و از زید می‌خواهد انتقام او را بگیرد. زید خروشان به سوی مردم می‌شتابد تا آنان را علیه محمد برانگیزد. ولی دیری نمی‌پاید که خود بر زمین نقش می‌بندد، زیرا محمد پیشاپیش به وسیله عمر او را مسموم کرده بود !!!

۱ ژان دیون پورت(۱۳۴۴)، عنبر تقصیر به پیشگاه محمداص، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران: انتشارات شرکت انتشار، ج ۳، ص ۳۴.

۲ «عنوان فرانسوی این نمایشنامه «Mahomadoufanatisme» است که ترجمه آن «محمد یا تعصبات دینی» است.

3 Zopire.

4 Palmire.

نمایشنامه «فئاتیسیم» نخستین اثر ولتر درباره پیامبر اسلام(ص) بود. آن هم در حقیقت از وقایع مذهبی مسیحیان الهام گرفته بود. داستانی ساختگی که قهرمانانی واقعی ولی با نام‌های مستعار داشت.^۱ ولتر تحت تأثیر نوشته مغرضانه «ژان گانی یه» درباره پیامبر اسلام، نمایشنامه فئاتیسیم را بر اساس سرگذشت زیدبن حارثه و زینب بنت جحش نوشت. وی مدت چهار سال را صرف آماده ساختن این نمایشنامه می‌کند. ولتر در سال ۱۷۴۲م. ابتدا نمایشنامه را در شهر «لیل» شهری در شمال فرانسه، روی صحنه آورد و سپس با دریافت اجازه از کاردینال دو فلوری در نهم اوت همان سال آن را در «کمدی فرانسز» معروف‌ترین تماشاخانه پاریس به نمایش گذاشت.

ولتر، در نوشتن فئاتیسیم بدیهی‌ترین حقایق اسلام را نادیده گرفت و بنابر گفته ناپلئون: «به تاریخ و وجدان بشریت خیانت کرد، زیرا سجایای عالی محمد(ص) را منکر شد و مردی بزرگ را که بر چهره جهانیان فروغی الهی تاباند، موجودی پست، جانی و سزاوار چوبه دار دانست.»

ولتر سرگذشت زید و زینب را با تحریف بسیار متأثر از آنچه که در «زندگی محمد»(ص) اثر گانی یه خوانده بود نگاشت؛ از این رو تصویری زشت از چهره تابناک پیامبر اسلام(ص) ترسیم کرد، و قطعی‌ترین حقایق تاریخ را دگرگون کرد.^۲ ارزش این اثر دراماتیک از نظر خالق آن به حدی بوده است که چند ماه پس از آن، ولتر با نامه‌ای متواضعانه آن را به پاپ بندیکت چهاردهم هدیه می‌کند.^۳ اصل داستان آن بوده است که زید که فرزند خوانده پیامبر اسلام(ص) است با زینب، دختر عمه پیامبر(ص) ازدواج کرد، اما به دلیل ناسازگاری از هم جدا شدند.^۴ و به حکم و فرمان خداوند فرزند خوانده، فرزند حقیقی نیست. و ازدواج با همسر او نیز بلامانع است، زینب نیز که دختر عمه پیامبر بود، سرانجام با پیامبر ازدواج کرد.^۵ ولتر این داستان را با تحریف فراوان بیان کرد. و پیامبر را شیفته زینب نشان داده است که برای رسیدن به او زید را تحریک کرد پدر خود زویپتر (ابوسفیان) را به قتل برساند و در نهایت زید را هم مسموم و با زینب ازدواج کرد.

فئاتیسیم را می‌توان شدیدترین هجونامه از ولتر علیه پیامبر(ص) دانست. علاوه بر این، ولتر در نامه‌ای که به فردریک دوم نوشته؛ به این موضوع اعتراض کرده است که چرا باید یتیمی گمنام از

۱ حدیدی، همان، ص ۷۷.

۲ ثواقب، همان، صص ۲۶۹ - ۲۷۰.

۳ ولتر (۱۳۶۴)، کتدید و زندگانی نامه فرانسوا ماری آروته ولتر و معرفی آثار او، ترجمه و پژوهش حسن شهباز، تهران: آبی‌نا، ص ۱۱۵.

۴ عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر (۱۹۸۲)، الکامل فی التاریخ، ج ۲، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، صص ۵۶۷-۵۶۸.

۵ ابوجعفر محمد بن جریر طبری آبی‌نا، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۲، بیروت: المؤسسة العلمی الی المطبوعات، صص ۲۳۱-۲۳۲.

میان قبیله‌ای در شهری کوچک برخیزد به دستگیری چند گمنام دیگر، مردم را به این امر معتقد گرداند که با جبرئیل سخن می‌گوید، بر او وحی نازل می‌شود و قدرتی به دست آورد که هر چه بخواهد انجام دهد. همچنین حضرت محمد را «مردی نادان» می‌دانست که شگفت‌آور است که چگونه توانسته است بخش بزرگی از مردم روی زمین را به دین خود معتقد گرداند در حالی که دانشمندانی چون (نیوتن، لاک و کلارک) به زحمت توانسته‌اند گروهی را گرد خود آورند که آن هم روز به روز در حال کاسته شدن است.^۱

در مواردی پیامبر(ص) را مردی مصرع و دیوانه توصیف می‌کند و حضرت را مروج شهوت پرستی دانسته است و سخن از حوریان در بهشت را دلیل بر مدعای خود ذکر کرده و نسبت به ازدواج‌های پیامبر با دیدی بسیار منتقدانه نگریسته است.

روند تدریجی تحول دیدگاه ولتر نسبت به شخصیت حضرت محمد(ص)

با وجود این که ولتر در فناتیسیم، موضعی بسیار تند نسبت به پیامبر(ص) داشت؛ اما همچنان مطالعات خود را ادامه داد و از سال ۱۷۴۲م. به بعد، یک سلسله مطالعات و تحقیقات تاریخی درباره شخصیت پیامبر(ص) را دنبال کرد.

از آن جا که وی دارای روحیه انتقادی بود به راحتی به گفته دیگران اعتماد نمی‌کرد. هر چند گمانی به، متخصص در زبان‌های شرقی، کوشیده بود دین محمد را بدعتی زشت از مسیحیت جلوه دهد؛ اما ولتر بر آن بود که خود حقیقت را دریابد و در این راه تمام هوش و فراست خود را به کار می‌برد. مکاتبات سال‌های ۱۷۴۲-۱۷۴۳م. کوشش پیگیر او را برای شناختن دین اسلام و پیامبر اسلام(ص) آشکار می‌سازد و در این دوره ولتر خود را وقف دین اسلام می‌کند، چنان که حتی در انجام وظائف اجتماعی‌اش نیز قصور می‌ورزد؛

«این محمد، دوست گرامیم، مرا نسبت به شما تنبل کرده است؛ زیرا فرصت نامه نوشتن را هم از من گرفته است» عبارت ذکر شده، عمق مطالعات ولتر درباره پیامبر را نشان می‌دهد.

وی دوباره کتاب گمانی به را مرور می‌کند ولی چون این بار اطلاعاتش دقیق‌تر از گذشته است به قضاوت‌های مغرضانه گمانی به واقعی نمی‌گذارد.^۲

اما باید گفت که دیدگاه ولتر نسبت به قبل، کمی معتدل‌تر شده است، به طوری که در سال

۱ حدیدی، همان، ص ۲۷۱.

۲ حدیدی، همان، صص ۷۷-۸۴.

۱۷۴۸م. که دوباره فئاتیسم را با مقدمه‌ای طولانی به چاپ رسانید و کوشید یاوه‌گویی‌های خود را در آن توجیه کند و به دلیل عدم اطلاع کامل از زندگی پیامبر(ص) به جای آن که به تکذیب آنچه نگاشته بود پردازد... در صدد توجیه رفتار خود بود. و معتقد بود محمد(ص) به ناحق خود را پیامبر خدا نامیده است. برای اثبات این ادعا سعی کرده است شواهدی از قرآن و روایات را که البته حاکی از بی‌مایگی او در درک قرآن بود بیاورد.

او در این مرحله «پیامبر را مردی سیاستمدار می‌داند که عوامل هرج و مرج روزگار خود را بررسی کرده و پس از سال‌ها تفکر، راه پیشرفت خود و ملت عقب افتاده عرب را در آوردن دین جدیدی یافت و خود را فرستاده خدا نامید» و پیامبر را مردی دانشمند می‌داند که از روی فروتنی خود را در قرآن بی‌سواد خوانده است.^۱

وی پس از مراجعه به کتاب‌های برخی از اروپاییان چون (جرج سیل و بولن ویلی یه) که تقریباً نظراتی منصفانه درباره پیامبر(ص) ارائه داده بودند و پس از تحقیق و کنجکاوی درباره دین اسلام و شرح حال پیامبر، حقیقت را دریافت و اطلاعات صحیح را فرا گرفت. در ۱۷۵۳ و ۱۷۵۶م، ولتر سلسله مقالاتی را در چاپ‌های جدید کتاب تاریخ جهانی خود درباره پیامبر اسلام(ص) درج کرد. در سال ۱۷۶۳م. در تاریخ افکار ولتر مرحله‌ای نهایی را مشخص نمود؛ زیرا در این سال بود که سرانجام به دنبال عمری جست‌وجو درباره اسلام و پیامبر اسلام(ص) تصویری جدید از حضرت محمد(ص) و پیروانش در ذهن او پدیدار گردید. و این تصویر حضرت محمد(ص) با محمد(ص) در فئاتیسم هیچ‌گونه هماهنگی ندارد.

بر اثر این انقلاب درونی، ولتر حتی در قضاوت خود نسبت به پیامبر اسلام(ص) که همیشه مورد عناد او بود تجدید نظر کلی می‌کند و برای نخستین بار، پس از پنجاه سال زندگی ادبی و چهل سال مطالعات تاریخی و مذهبی، حقیقت را باز می‌یابد.

ولتر می‌گوید: «محمد بی‌گمان مردی بسیار بزرگ بود و مردانی بزرگ نیز در دامن فضل و کمال خویش پرورش داد. قانون‌گذاری خردمند، جهانگشای توانا، فرمانروایی دادگستر، پیامبری پرهیزکار بود و بزرگ‌ترین نقشی را که ممکن بود در مقابل چشمان مردم عادی ایفا کند، در روی زمین ایفا کرد».

همچنین ولتر در راستای ستایش از حضرت محمد(ص) نوشته است: «برای ستایش و تمجید از محمد(ص) و پیروانش جهت‌گیری دیگری وجود دارد و آن جهت این است که دین اسلام وجود

خود را به فتوحات بنیانگزارش مدیون نیست، حال آن که مسیحیان با کمک شمشیر و تل آتش، آیین خود را به ملل خارجی تحمیل کرده‌اند.^۱

در جای دیگر باز به مدح و ستایش پیامبر پرداخته و اعتراف می‌کند «دین محمد هرگز نابخردانه نیست و محمد هرگز مصروع و دیوانه نبوده است، بالعکس قانونگذاری بزرگ و جهانگشائی توانا بود و بزرگ‌ترین دین را برای بشریت به ارمغان آورد».^۲

ولتر در بررسی ادیان بیش از همه به سادگی و بی‌ضرر بودن آنان توجه دارد به طوری که گفته است: «کدام دین بی‌ضررتر از همه است؟ دینی که کمتر در آن تعصب و بیشتر در بند فضیلت باشد. کدام دین بهتر از همه است؟ دینی که از همه ساده تر باشد».^۳

دیدگاه مثبت و منصفانه ولتر دربارهٔ حضرت محمد(ص) در آثار و افکار برخی دیگر از نویسندگان غرب در ادوار بعدی تا حدی نمود پیدا کرد. و این امر سبب شده تا برخی از فلاسفه و متفکران بزرگ غرب در آثار خویش دربارهٔ پیامبر از آراء مغرضانه کلیسا تا حد زیادی فاصله گرفته و نظر گاهشان نسبت به حضرت محمد(ص) متعادل تر و منصفانه تر گردد. در ادامه به نمونه‌هایی از این امر اشاره می‌گردد:

«دین اسلام با نبوغ خدایی محمد(ص) پیامبر خدا در رابطه با تاریخ عربستان طلوع کرد و شکوفا شد».^۴ «دین محمد(ص) وحدانیت ساده‌ای بود که با معضلات کلامی، تثلیث و حلول، پیچیده و بغرنج نگشته بود. پیغمبر اسلام(ص) ادعای الوهیت نداشت و پیروانش نیز چنین ادعای در حق او نداشتند».^۵ اسلام در مدینه به اوج خود رسید و در غار حراء محمد(ص) یک روزه دار، یک زاهد، یک صوفی، و یک حنیف بود، در مکه، ایشان منادی تفکر مذهبی بود؛ ولی در مدینه او منادی تفکر اسلامی شد.

در قرون وسطی همواره از حضرت محمد به عنوان کسی که نظام سیاسی خودکامه‌ای را برقرار کرده بود یاد شده است؛ اما ژان ژاک روسو متفکر بزرگ و از هم‌عصران ولتر وقتی محمد

۱ نصراله نیک‌بین [بی‌تا]، اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، [بی‌جا]: نشر دفتر مذهبی سیمان درود، ص ۶۹.

۲ ثواقب، همان، ص ۲۷۲.

۳ آندره‌کرسون [بی‌تا]، فلاسفه بزرگ، ولتر، ترجمهٔ کاظم عمادی، تهران: نشر نگاه مطبوعاتی صفیعلی‌شاه، ص ۹۱.

۴ ارنولد توین بی (۱۳۶۲)، تاریخ تمدن (تحلیلی از تاریخ جهان از آغاز تا عصر حاضر)، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: نشر مولی، چ ۱، ص ۴۳۸.

۵ براتراند اسل (۱۳۷۲)، تاریخ فلسفه غرب، ترجمهٔ نجف دریابندری، تهران: نشر کتاب پرواز، ص ۵۹۰.

۶ علی عزت بگوویچ (۱۳۷۴)، اسلام بین دو دیدگاه شرق و غرب، ترجمهٔ سید حسن سیف‌زاده، تهران: موسسهٔ چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چ ۱، ص ۲۲۳.

را با دید سیاسی خود نگاه می‌کند، درباره فراس‌ت و کیاست سیاسی پیامبر می‌گوید: حضرت محمد از حکومت، برداشت درستی داشته است و نظام سیاسی خود را کاملاً با نظام مذهبی یکی کرده. تا زمانی که ساختار حکومت او در دوران فرمانروایی خلیفه و یا جانشینان آنان برقرار بود حکومت منسجم بود و خوب اداره می‌شد. اما اعراب که به جاه و جلال رسیدند، سست عنصر شدند و زیر سلطه دیگران قرار گرفتند^۱ و این امر خود دلیل بر تعدیل دیدگاه متفکران بزرگ فرانسه درباره حضرت محمد است.

ارتباط میان دیدگاه مثبت ولتر نسبت به حضرت محمد(ص) با نگاه نقادانه او نسبت به مسیحیت

ولتر را پیش‌تاز بی‌دینان سده هجدهم لقب دادند، این لقب به دلیل آثار و افکار ولتر علیه مسیحیت است. به طوری که در آثارش همواره به کلیسا و اصول آن حمله کرده است، برای مثال نامه‌های فلسفی وی سراسر مقایسه آزادی سیاسی و استقلال فکری انگلیس‌ها با استبداد و بردگی فرانسویان است. وی در این نامه‌ها که به یکی از دوستانش در پاریس می‌نوشته، از تسامح مذهبی دفاع کرده و از مقام اشراف و کشیشان انحصارطلب و تمامیت‌خواه فرانسه انتقاد کرده است.^۲ و به سبب انتقادات ولتر از کلیسا، کشیشان سده هجدهم، ولتر را شخصی خدا پرست نمی‌دانستند، اما ولتر اعتقاد داشت خدا برای هر موجود و در قلب هر موجود نقش بسته و هر انسانی با هر مذهبی و اعتقادی که داشته باشد، در بطن خود به خدا اعتقاد دارد.^۳ و این امر به خوبی ناقض عقیده کلیسا بود، ولتر، عیسی را به سختی هجو می‌کند او را با محمد(ص) می‌سنجد و محمد(ص) را در شجاعت، فضیلت و جوانمردی و فراس‌ت به مراتب بالاتر از او می‌یابد به کمک نیروی عقل، دین دیگری را جز مسیحیت برگزیند. لذا همه ادیان را مورد بررسی قرار می‌دهد و درباره دین محمد(ص) می‌گوید:

«دینی که محمد(ص) آورد از مسیحیت برتر بود. در آیین او هرگز یک یهودی را به خدائی نگرفتند و یک زن یهود را مادر خدا نپنداشتند. و یهودیان دیگر را مورد نفرت و کینه خود قرار ندادند. در آیین او کترو هرگز به جنون مسیحیان دچار نگشتند و یک خدا را سه خدا، سه خدا را یک خدا ندانستند، در آیین او هرگز خدای را به زیر دندان‌ها خرد نکردند و ایمان به خدای یگانه تنها اصل بزرگ آیین محمد(ص) بود».^۴

۱ ژان ژاک رسو(۱۳۷۹)، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، ای‌جا: نشر آگاه، ص ۴۹۲.

2 Robert Hutchins, Mortier adler(1963), *grat way to the grat book*, V7, london: Eencyclopdia Britanic. Inc, pp. 334-338.

3 Francois Voltaire, Arout de marie (1973), *lerteres philosoiques*, paris: larousse.

ولتر راهی را برای پیشبرد عقاید خود پذیرفت، با دیگر متفکران آزادی خواه متفاوت بود. او با سلاح طنز و تمسخر به نبرد بیدادگران رفت و ظاهراً در عصری که ریختن خون یک عنصر مخالف به دست درباریان قدرتمند و متولیان انگلیزیسیون، آسان‌ترین کار می‌نمود. و زندان گسترده و هراس‌انگیز باستیل، قتلگاه هزاران آزادی خواه بود، ولتر با آن قامت دن کیشوت وار خود به جدال آن‌ها رفت و سرانجام فاتح گشت.^۱

این که ولتر به روحانیون و بزرگان می‌تازد، به این لحاظ است که ایشان به مردم درس ریاضت و بی‌اعتبار شناختن جهان و تحمل شدائد را می‌آموزند؛ ولی خود کار دیگر می‌کنند. خود بر خلاف گفته‌های خود طالب دنیا هستند.^۲

در واقع می‌توان گفت: هدف ولتر از به استهزاء گرفتن روحانیون و بزرگان کلیسا این است که نشان دهد، در حالی که آنان (مسیحیان) عوام فریبی و شرارت را نفی می‌کنند و جنگ و نزاع را ناپسند می‌دانند، ولی خود این کارها را بیش از دیگران انجام می‌دهند، که این امر، انتقاد شدید ولتر را در پی دارد. و او سخت‌گیری و استبداد سلطنت‌طلبان و نیز عوام فریبی شریعتمداران را تحمل نمی‌کند و به مبارزه با آنان می‌پردازد.^۳

همواره ولتر در صدد زدودن اوهام و خرافات از چهره دین بوده است و در آثارش به خوبی آن را نشان داده است و عقیده دارد با نیروی عقل می‌توان خرافات را کنار زد و به حقیقت ادیان دست یافت. برای مثال: در یکی از آثارش آمده: صادق که عقل را کهن‌تر می‌داند موفق می‌شود با استدلال منطقی ارباب خود (ستوک) را متقاعد کند از اندیشه‌های خرافی خود در مورد پرستش اجرام آسمانی دست بردارد.^۴

پس باید گفت در دین مسیحیت سه مسئله ولتر را آزار می‌داد:

۱. جنبه بشری خدا

۲. ستمکاری او

۳. اسراری متناقض و بیهوده

این عوامل باعث انتقاد شدید ولتر از مسیحیت و مسیحیان شد به طوری که در ابتدای مطالعات خود، دین مسیح و سازمان‌های آن را مورد انتقاد شدید خود قرار داد. و پیروان کلیسا را «درندگان

۱ ولتر، همان، ص ۴، {مقدمه مترجم}.

۲ ولتر (۱۳۵۲)، *کلندید یا خوشبینی*، ترجمه جهانگیر افکاری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، صص ۱۴-۱۶.

۳ ولتر (۱۳۶۲)، *نه داستان*، ترجمه علی اصغر حلبی، تهران: نشر کتاب فروشی زوار، چ ۱، صص ۱-۱۰، {مقدمه مترجم}.

۴ ولتر (۱۳۵۱)، *صادق*، ترجمه مینو خرد کامرانی، تهران: نشر شبگیر، چ ۱، ص ۵۹.

بیابان» «بربرهای مقدس نما» می‌نامد و دین مسیحیت را تحریف شده می‌داند که به تدریج خرافات و اوهام به آن وارد شده است، آنگاه به بررسی دیگر ادیان می‌پردازد. در مورد اسلام و پیامبر اسلام(ص) ابتدا دنباله‌رو پیشینیان خود بود و متأثر از آنان به پیامبر، تهمت و افتراهای ناروا وارد کرد. ولی ولتر نویسنده توانا و انتقادی بود به مطالعات سطحی بسنده نکرد و مطالعات خود را همچنان در جهت رسیدن به حقیقت اسلام و پیامبر(ص) ادامه داد. تا این‌که دیدگاه او درباره اسلام و حضرت محمد(ص) متحول گشت به طوری که حضرت محمد را مردی بزرگ و توانا که پدید آورنده بزرگ‌ترین انقلاب روی زمین است، معرفی کرد.

حال ممکن است این مدح و ستایش ولتر از پیامبر(ص) و سیله‌ای برای مقابله با مسیحیت و حضرت مسیح فرض شود؛ و برای این که مسیحیت و کلیسا را رسوا کند و نقاط ضعف و سستی آنان را به تصویر کشد، از اسلام و پیامبر اسلام تمجید کرده است. البته اگر ظاهراً هم این‌گونه باشد، باز دیدگاه مثبت ولتر نسبت به پیامبر را باید نتیجه شناخت صحیح او از حضرت محمد(ص) دانست.

ولتر در بی مطالعات فراوان خود به تحریف‌ها، خرافات و دیدگاه مغرضانه کلیسا درباره حضرت محمد(ص) پی برد. و وقتی که متون منصفانه درباره پیامبر را مطالعه کرد و آن را با معیار عقل سنجید، چهره راستین پیامبر را شناخت و در نهایت به مبارزه علیه خرافات و اوهام ارائه شده در قالب دین پرداخت. به طوری که در یک جمله معروف گفته است: «من مسیحی نیستم، زیرا می‌خواهم خدا را بهتر دوست داشته باشم».

به این ترتیب دیدگاه متفکران بزرگ غرب نسبت به حضرت محمد تعدیل شد به طوری که در دوره‌های پس از ولتر، بزرگانی دیگر نیز به قضاوت‌های نادرست و مغرضانه پیشینیان خود اعتراف کردند. لوبون می‌گوید: اگر بنا باشد بزرگی و اهمیت رجال از روی عمل آنان سنجیده شود می‌گوییم: پیغمبر اسلام در میان رجال تاریخ، یکی از اشخاص بزرگ و نامی محسوب می‌شود. مورخین قدیم به واسطه تعصب‌های مذهبی، اهمیتی به کارهای او نداده‌اند؛ ولی در عصر حاضر مورخین نصاری حاضر شده‌اند که در این باب از روی انصاف سخن گویند.^۱ همچنین علاوه بر مورخان فرانسه، مورخان بریتانیائی مانند کارلایل درباره پیغمبر اسلام گفته است: دشمنان محمد اگر به نظر حقیقت بنگرند متوجه خواهند شد در نفس این مرد بزرگ، افکاری فوق طمع دنیوی

۱ گوستاو لوبون(۱۳۳۴)، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: نشر اکبر علمی، ج ۴، ص ۱۲۶.

و جاه و سلطنت بوده است که سیرت رجال بزرگ تاریخ مانند محمد و امثال او از مصلحین و انبیاء را نشان می‌دهد که آن‌ها در مرام خود، جامعه را به سوی کمال سوق می‌دهند.^۱

نتیجه‌گیری

ظهور اسلام در سده هفتم میلادی و گسترش سریع آن موجب وحشت جامعه مسیحیت شد و در صدد مقابله با آن برآمدند. و در جریان جنگ‌های صلیبی توانستند با نیروی نظامی با گسترش اسلام مقابله کند. از راه علمی و فرهنگی و مطالعه درباره اسلام و پیامبر و به نقد کشیدن آن وارد میدان مبارزه شدند و این امر باعث رواج تهمت‌های ناروا به حضرت محمد(ص) شد و نویسندگان همواره تحت تأثیر این اندیشه‌های مغرضانه کلیسا بودند. و لثر هم متأثر از این اندیشه حاکم بر جامعه بود. اما و لثر به دلیل روحیه انتقادی که داشت در صد زدودن این خرافات بود و در جهت پی بردن به درست یا نادرست بودن این اندیشه‌ها و سنجیدن آن با معیار عقل تلاش می‌کرد. البته این امری فراتر از زمان و لثر بود لذا تحقق آن نبوغی بزرگ، اراده‌ای محکم و تلاشی بی‌وقفه را می‌طلبد. و لثر همه این ویژگی‌ها را دارا بود پس سال‌ها و سال‌ها در کشف حقیقت ادیان کوشید. در این راه رنج بسیار کشید کتاب‌های فراوانی مطالعه کرد، با پیروان مذاهب مختلف تماس گرفت. در نهایت درباره پیامبر اسلام(ص) بسیار تحقیق کرد. سرانجام به برتری اسلام و پیامبر(ص) پی برد و حضرت محمد را - که روزی جاعل، دروغگو و فریب‌کار توصیف می‌کرد- مردی بزرگ، توانا و پرهیزکار که دینی بزرگ و برتر را برای بشریت به ارمغان آورد معرفی کرد.

منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌المکرم (۱۹۸۲)، الکامل فی التاریخ، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الویری، محسن (۱۳۹۰)، مطالعات اسلامی در غرب، تهران: انتشارات سمت.
- بگوویچ، علی عزت (۱۳۷۴)، اسلام بین دو دیدگاه شرق و غرب، ترجمه سید حسن سیف زاده، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- تونین بی، رنولد (۱۳۶۲)، تاریخ تمدن (تحلیلی از تاریخ جهان از آغاز تا عصر حاضر)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر مولی.

۱ کارلایل توماس (۱۳۳۰)، قهرمانان، به قلم ابوعبدالله زنجانی، تهران: نشر کتابفروشی سروش، چ ۶، ص ۱۶.

- ثواقب، جهانبخش (۱۳۷۹)، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، تهران: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- حدیدی، جواد (۱۳۵۵)، اسلام از نگاه ولتر، تهران: انتشارات توس.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۲)، نخستین رویارویی اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۳۷۵)، تقد آثار خاورشناسان شامل زندگی ناه علمی و نقد آثار بیست تن از خاورشناسان نامدار، تهران: انتشارات چاپخش.
- دیون پورت، ژان (۱۳۴۴)، عنبر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران: انتشارات شرکت انتشار.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۱)، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- راسل، برتراند (۱۳۷۳)، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران: نشر کتاب پرواز.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۷۹)، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلاترین، تهران: نشر آگاه.
- زمانی، محمدحسن (۱۳۸۵)، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان (تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان)، [بی جا]: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.
- سحاب، ابوالقاسم [بی تا]، فرهنگ خاورشناسان (شرح حال خدمات دانشمندان ایران شناسان و مستشرقین)، تهران: نشر چاپ سحاب کتاب.
- شفیعی خوزانی، زیبا (۱۳۸۰)، «بررسی دیدگاه های مستشرقین در باب زندگی پیامبر(ص) در نیمه اول قرن بیستم»، [بی جا]: [بی تا].
- صمیمی، مینو (۱۳۸۴)، محمد(ص) در اروپا (داستان هزار سال افسانه سازی و دروغ پردازی در غرب)، ترجمه عباس مهرپویا، تهران: انتشارات اطلاعات.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر [بی تا]، تاریخ الطبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ج ۲، بیروت: المؤ العلمیه الی المطبوعات.
- کرسون، آندره [بی تا]، فلاسفه بزرگ ولتر، ترجمه کاظم عمادی، تهران: نشر بنگاه مطبوعاتی صفی علی شاه.
- کارلایل، توماس (۱۳۳۰)، زندگانی محمد(ص)، ترجمه از الابطال - قهرمانان، به قلم ابو عبدالله زنجانی. با مقدمه و حواشی و ده مقاله به قلم واعظ چرندابی، [بی جا]: نشر سروش، چ ۶.
- لویون، گوستاو (۱۳۳۴)، تاریخ تمدن اسلام و غرب، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: نشر علی اکبر علمی، چ ۴.
- موننگمری وات، ویلیام (۱۳۷۳)، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان (تفاهات و سؤ تفاهات)، ترجمه محمد حسن آریا، تهران: نشر دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- متسکیو، شارل لوییدو سکوندا (۱۳۶۲)، روح التوائین، ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات

امیرکبیر.

- نیک بین، نصراله [بی تا]، *اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب*، [بی جا]: نشر دفتر مذهبی سیمان درود.
- ولتر (۱۳۵۱)، صادق، ترجمه میتو خرد کامرانی، تهران: نشر شبگیر.
- (۱۳۵۲)، کاندید یا خوشبینی، ترجمه جهانگیر افکاری، تهران: نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- (۱۳۶۲)، نه داستان، ترجمه علی اصغر حلیمی، تهران: نشر کتاب فروشی زوار.
- (۱۳۶۴)، کاندید و زندگی نامه فرانسوا ماری آروئه ولتر و معرفی آثار او، پژوهش و ترجمه حسن شهباز، تهران: انتشارات علمی.
- (۱۳۶۹)، نامه های فلسفی (نامه های درباره انگلستان)، ترجمه علی اصغر حلیمی، [بی جا]: انتشارات پیک ترجمه و نشر.
- Hutchins, Robert; Adler, Mortimer, J. (1963), *Great Way to the Great Book*, v7, London: Eecyclopdia Britanic, inc.
- Voltaire, Francois-Marie, Arout de (1973), *Letters Philosophiques*, Paris: Larousse.

